

(1) حضرت والاربت متعالی منزلت سلطنت پناه شوکت و حشمت و جلالت دستکاه عظمت و اهت انتباه عالیجاه عمده السلاطین المسیحیه قدوة الخواقین العیسویه زینده سریر دولت و (2) اقبال مزین مسند عظمت و اجلال پادشاه عالیقدر سپهر اقتدار¹ شمساً السلطنه و الشوکه و النصفه و الحشمه و المحبه و الموده و العطوفه و العز و الامتنان پادشاه مجاز² جعل الله عواقبه خیرارا بعد از تبلیغ لوازم محبت و دوستی و اظهار مراسم خصوصیت و یکانکی مرفوع رای قرصیا و (3) مشهود ضمیر منیر مهر انجلای میگرداند که همانا طریقہ محبت و دوستی و وداد و رابطه خصوصیت و یکانکی و اتحاد نواب همایون ما با سلاطین حشمت آیین مسیحیه و پادشاهان عالیشان فرنکیه بران (4) بران³ عالیحضرت متعالی مرتبت ظاهر و هویدا خواهد بود و همیشه فیابین ایلچیان سخندان با نامهای محبت نشان آمدشد مینابند خصوصاً پادریان عظام مکرراً بدین دیار آمده بر حقیقت دوستی ما اطلاع یافته اند (5) و ازینجانب همانقاعده مرعی و مسلوک است و اصلا خلل در بنیان دوستی ما نمیشود و درینولا بیکزاده اعظم اکرم دونه برت شیرلی را که درینصوب بود برسم ایلچیکری بد انصوب با صواب (6) فرستادیم و بعضی سفارشات در باب استحکام قواعد محبت و دوستی بمشارالیه شده که بزبانی خاطر نشان شریف نماید چون بیکزاده مشارالیه را مرد سنجیده صادق القول میدانیم آنچه (7) از جانب همایون ما کوید اعتاد نمایند که گفته ماست وظیفه آنست که از جانب آنحضرت نیز همین شیوه حسنه مرعی و مسلوک بوده در تضاعف مواد خصوصیت و اتحاد کوشند و هواره ابواب مکاتب (8) صداقت آمیز مفتوح داشته هر کونه کاری و مهمی که درین دیار داشته باشند بی تکلفانه آنها و اعلام نمایند که منسوبان و ملازمان در کاهرا بانجام و اتمام آن مامور ساخته فیصل پذیر گردانند چون غرض اظهار محبت بود زیاده نرفت